

مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۴ - شماره ۲۷ - تابستان ۱۴۰۱

صفحات ۲۷۵ - ۳۰۴ (مقاله پژوهشی)

سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سیاسی و مطالعه تطبیقی آن با نظام حقوقی آمریکا

سید حسن شاهچراغ* / محمدحسن حسنی** / مهدی ذوالفقاری***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸

چکیده

جرم سیاسی برای نخستین بار در دوران مشروطه وارد ادبیات حقوق کیفری ایران شد و با رشد تدریجی از جرائم شهروندان علیه دولت به جرائم کارگزاران دولت با هدف تحکیم قدرت حاکمه بر ضد حقوق و آزادی های اساسی شهروندان توسعه یافت. در نظام کیفری کامن لا از جمله آمریکا بخلاف نظام کیفری رومی - ژرمنی، جرم سیاسی رشد کم فروغی داشته است و تنها الحاق به معاهدات بین المللی آمریکا را ناگزیر از به رسمیت شناختن آن نموده است و مرجع تشخیص جرائم سیاسی نیز بر اساس نظریه پیشامد سیاسی به عهده محاکم است تا بر اساس رویکرد مصلحت گرایانه با معارضان حکومت برخورد متناسب به عمل آید. این نوشتار بر آن است با بررسی تطبیقی رویکرد حقوق کیفری ایران و آمریکا به عنوان نمایندگان دو نظام حقوقی مدون و کامن لا و با روش توصیفی و تحلیلی روشن نماید که سیاست کیفری کدام کشور همسو با تحولات جرم سیاسی در نظام های حقوقی مرجع و مبدع در این مقوله است. یافته های پژوهش نشان از ناهمخوانی سیاست کیفری ایران با تحولات جرم سیاسی در نظام های غربی در دوره معاصر دارد.

کلیدواژه: جرم سیاسی، مجرم سیاسی، بغی، رویکرد ارفاقی.

* دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم شناسی واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

** استادیار گروه حقوق، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران (نویسنده مسئول) m_hasani@du.ac.ir

*** استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

مقدمه

آزادی بیان از الزامات استقلال فردی انسان به مثابه یک هدف ذاتی است و ایجاد هرگونه محدودیتی در تغایر با این آزادی به شمار می آید. این حق، کلید حمایت از تمامی حقوق بشری و صیانت از کرامت انسانی و یک مفهوم بنیادین برای حفظ حقوق فردی است. هر حکومتی برای بقای خود تدابیری می اندیشد و راهی را در پیش می گیرد، اما باید دانست که راهی که آزادی افراد را محدود نماید، نتیجه معکوس خواهد داشت. پیش بینی جرائم سیاسی مقدمه محدود کردن آزادی افراد است، اما همواره در طول تاریخ از زمان باستان، نظام های مختلف در پی سرکوب مخالفان و منتقدان خود بوده اند؛ به همین جهت برای مجازات آنها قواعدی وضع نمودند. در دوران های قدیم اینگونه جرائم به عنوان جرم بزرگ، جرم بی رحمانه و خیانت بزرگ تلقی می شد. مفهوم جرم سیاسی در تحولات تاریخی و انقلاب های اجتماعی و سیاسی تغییر ماهیت داده و در نزد آزادیخواهان از گناه بزرگ به جرم قابل ارفاق تبدیل گشت. علیرغم تلاش های فراوانی که برای معرفی جرائم سیاسی به عمل آمده تاکنون تعریف جامع و مانعی از این جهت به دست نیامده است (هاشمی، ۱۳۷۴: ۶۱۹).

در دوران پهلوی، جرم سیاسی تعریف مشخصی نداشت و اتهام هایی که ماهیت سیاسی داشتند در دادسرای نظامی رسیدگی می شدند. بلا تکلیفی جرم های سیاسی تا ۳۷ سال پس از روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی ایران هم ادامه داشت تا این که در بهمن ۱۳۹۴ مجلس ایران برای اولین بار قانون جرم سیاسی را در شش ماده تصویب نموده و در اردیبهشت ۱۳۹۵ شورای نگهبان با اصلاحاتی مصوبه مجلس را تأیید کرد. طبق این قانون، مواردی مانند توهین یا افترا به رؤسای سه قوه و مجمع تشخیص مصلحت نظام و نمایندگان مجلس، به این شرط که «با انگیزه اصلاح امور کشور و بدون ضربه زدن به اصل نظام» صورت گرفته باشند جرم سیاسی هستند.

در خصوص شناسایی جرم سیاسی در جوامع مختلف، سه رویکرد کلی مطرح بوده است: رویکرد کشورهای با نظام حقوقی کامن لا همواره عدم شناسایی جرم سیاسی بوده است. نمونه های بارز این نظام ها انگلستان و ایالات متحده آمریکا است. رویکرد دوم، ناظر بر کشورهای با نظام حقوقی رومی - ژرمنی است که بین جرائم سیاسی و جرائم غیر سیاسی تمایز قایل شده اند. به طور مثال، کشور فرانسه و بلژیک این تمایز را قایل و مصادیق جرم سیاسی را به نحو سلبی برشمرده اند، اما تعریف واحدی از آن ارائه نکرده اند؛ اما در نظام های توتالیتار و دیکتاتوری جرم سیاسی تبیین گردیده و در قوانین جزایی خود جای داده اند (Twels, Joseph, 2009).

قانون اساسی ایران برای جرم سیاسی دو نوع ضابطه شکلی و ماهوی را معین نموده است که ضابطه شکلی آن تعریف جرم سیاسی را به موجب قانون می داند. بنابراین ملاک تعیین جرائم سیاسی، تشخیص قضات یا رئیس قوه قضائیه یا رئیس جمهور یا هر شخص دیگری نیست. هر جرمی که با هدف براندازی نظام یا ضربه به ارکان اساسی آن که در اصل ۱۷۷ مندرج است در زمره حمایت ها و امتیازات نیست (موسوی فر و خسروی، ۱۳۹۸: ۱۲).

در ایالات متحده آمریکا طبق تعریف به عمل آمده از جرم سیاسی، خیانت به آمریکا عبارت است از اقدام به جنگ با آنها یا گرویدن به دشمنان آنها و کمک کردن و دادن اسباب راحتی به آنها؛ فتنه انگیزی به معنای اختلاف مردم در آراء و عقاید منجر به ناآرامی و شامل صدور هر نوع بیان کاذب فضاحت بار و مغرضانه علیه حکومت، رییس جمهور یا کنگره به قصد رسوا کردن، ایجاد اختلال، تشویش و بی حرمتی با برانگیختن نفرت شهروندان نسبت به آنهاست. جاسوسی، تحصیل اطلاعات نظامی برای دولت های خارجی است. جرم سیاسی در ایالات متحده از سه عنصر تشکیل شده است: خیانت، فتنه انگیزی و جاسوسی؛ اما با بررسی سوابق جرائم سیاسی در آمریکا می توان دو عنصر فساد و تخلف مقامات آمریکایی را نیز از مصادیق جرم

سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سیاسی و مطالعه تطبیقی آن با نظام حقوقی آمریکا - ۲۷۸

سیاسی برشمرد (U.S. Department of Defense, July 2011) از نمونه های جرم سیاسی در آمریکا می توان از ماجرای ایران کنترا نام برد (عالی پور، ۱۳۹۸: ۲۱).

۱- مفاهیم و کلیات

۱-۱- مفهوم جرم سیاسی

در جرمشناسی، جرم سیاسی به اعمالی گفته می شود که انجام آنها با منافع یک دولت یا ساختار سیاسی حاکم، در تضاد است و به این دلیل، جرم انگاشته می شوند. جرم سیاسی مقوله ای متفاوت از جرم دولتی است که به قانون شکنی دولت ها در قبال قوانین کیفری داخلی یا بین المللی اشاره می کند.

هر یک از جرائم توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسئولیت آنان، توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده، جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده، جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا، نشر اکاذیب، چنان چه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد بدون آن که مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی به حساب می آید (قانون جرائم سیاسی مصوب ۱۳۹۵).

۱-۱-۱- نظریه های ناظر به تعریف جرم سیاسی

الف) نظریه عینی یا مفهوم موضوعی: «جرم سیاسی، عبارت است از فعلی که عملاً سبب ایجاد ضرر و لطمه برای حکومت گردد، هر چند که در آن قصد سیاسی

وجود نداشته نباشد. مطابق با این نظریه، برای تحقّق جرم سیاسی کافی است که امر سیاسی بر آن بار گردد» (ولیدی، ۱۳۷۱: ۱۵۴).

ب) نظریه ذهنی یا مفهوم شخصی: مطابق این نظریه، شخص مجرم و هدف او ضابطه قرار می‌گیرد، نه جرم و اثری که به جای می‌گذارد (رادفر، ۱۳۸۹: ۳۹)؛ بنابراین جرمی سیاسی است که توسط مجرم با هدف سیاسی و به قصد صدمه زدن بر پیکره دستگاه حکومت اعمال گردد، هرچند طبیعت عمل او از جرائمی نباشد که معمولاً به آن جرم سیاسی می‌گویند» (صانعی، ۱۳۷۲: ۴۰۱).

۲-۱-۱- رویکرد های حقوقی ناظر به جرم سیاسی

حقوقدانان برای تمایز بین جرم سیاسی و جرم غیر سیاسی و عمومی، دو معیار پیش‌بینی می‌کنند: یکی معیار بیرونی عمل؛ به این معنا که آن عمل، متوجه حکومت و حاکمیت باشد. ویژگی دوم، بحث انگیزه مجرم است؛ یعنی مجرم در جرم سیاسی، برخلاف جرم عمومی، انگیزه شخصی و منفعت اختصاصی برای خودش متصور نیست، بلکه نگاهش به منفعت همگانی است و دارای انگیزه شرافتمندانه و غیر جاه طلبانه است.

نظام های حقوقی غربی، در مواجهه با پدیده جرم سیاسی رویکردهای متفاوتی دارند، اما تنها وجه اشتراک در همه این نظام ها، به رسمیت شناختن پدیده جرم سیاسی در مقام عمل است، به خصوص در مواردی که پای استرداد مجرمان در صحنه روابط و مناسبات بین الملل در میان است؛ به گونه ای که همه دولت ها، با هر رویکرد نظری و تقنینی، به ناچار از اتخاذ رویه ای در رسیدگی به پرونده های استرداد بوده اند و رویه های قضایی مفصلی، در کامن لا و رومی- ژرمنی، صورت گرفته است.

الف) نظام کامن لا

نظام حقوقی کامن لا را حقوق عرفی می‌نامند. حقوق عرفی نامیدن کامن لا ناشی از این تصور است که هر نظام حقوقی که مدوّن نباشد عرفی است. اما بایستی توجه

سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سیاسی و مطالعه تطبیقی آن با نظام حقوقی آمریکا - ۲۸۰

داشت که نقش عرف در کامن‌لا به هیچ وجه با اهمیت‌تر از نقش عرف در نظام حقوقی رومی - ژرمنی نیست و هیچ ارتباطی میان کامن‌لا و حقوق عرفی^۱ وجود ندارد. در واقع، کامن‌لا با از میان بردن حقوق عرفی انگلستان ایجاد شده است. کامن‌لا را حتی نظام برگرفته از عرف قضایی هم نمی‌توان نامید؛ چراکه حتی یک حکم از سوی یک دادگاه می‌تواند در این سیستم به یک قاعده تبدیل شود و لزومی به تکرار آن نیست.

نظام های حقوقی وابسته به گروه کامن‌لا - مثل انگلستان و آمریکا - در مقررات موضوعه خود اساساً تفکیک جرم سیاسی از غیر سیاسی را به رسمیت نشناخته و به جرم سیاسی اشاره ننموده‌اند. هرچند برخی نظام های حقوقی دیگر، همچون نظام حقوقی اسپانیا، نیز این تفکیک را شامل می‌شوند که صرفاً شرایطی خاص را از حیث مجازات یا طرز دادرسی برای مجرمین سیاسی باز شناخته‌اند تا در صورت اقتضاء و مطابق مصلحت های خاص، آن شرایط را بر جرائمی بار نمایند (اصغری، ۱۳۷۸: ۳۳).

ب) نظام رومی - ژرمنی

رویکرد دوم، ناظر به کشورهای وابسته به گروه حقوقی رومی - ژرمنی، مانند بلژیک و فرانسه است که تفکیک جرم سیاسی از غیر سیاسی را قبول کرده و در قوانین کیفری خود برخی از مصادیق جرم سیاسی را به گونه ای سلبی تعیین نموده‌اند، بدون این که تعریف جرم سیاسی را وارد مقررات موضوعه خود نموده باشند (عالی پور و کارگری، ۱۳۸۹: ۱۲۲). بر این اساس، برخی از حقوقدانان تأسیس حقوقی جرم سیاسی را از اختصاصات نظام حقوق مدون رومی - ژرمنی دانسته‌اند و بسیاری از آنها معتقدند که چنین مفهومی در نظام های حقوق دیگر کشورها، مانند کامن‌لا یا کمونیستی، اصلاً ناشناخته مانده است (صانعی، ۱۳۷۱: ۳۹۱).

ج) نظام های دیکتاتوری

آن دسته از نظام های حقوقی که علاوه بر شناسایی جرم سیاسی به تعریف این مفهوم و برشمردن عناوین مجرمانه سیاسی در قوانین موضوعه خود اقدام نموده اند. کشورهایی مانند ایتالیا، آلمان، لیبی، عراق، سوریه و لبنان معدود نظام هایی هستند که جرم سیاسی را به گونه ای روشن و درست تعریف نموده و در قوانین جزایی خود قرار داده اند (پیوندی، ۱۳۸۲: ۸۳-۸۲).

۲-۱- تعریف فتنه انگیزی

فتنه انگیزی در لغت به معنای اغواء، فریبندگی، فتنه، گول زنی و گمراه سازی می باشد و به معنای اختلاف مردم در آراء و عقاید و به گونه ای است که منجر به ناآرامی شود (دهخدا: ۱۳۷۷: ۱۶۵) و در اصطلاح، صدور هر نوع بیانیۀ کاذب، فضاحت بار و مغرضانه می باشد که علیه حکومت، رئیس جمهور، یا کنگره به قصد رسوا کردن، ایجاد اختلال، ناآرامی، تشویق به بی حرمتی یا برانگیختن نفرت شهروندان نسبت به امریکا به کار می رود و سبب ایجاد رعب و ناآرامی در جامعه می گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۸۶).

۳-۱- تعریف جاسوسی

جاسوسی، از جرائم علیه امنیّت ملی است و جرائم علیه امنیّت ملی به جرائمی گفته می شود که در درجه نخست، مضرّ به حال امنیّت نظام یک کشور هستند هرچند بارها و بارها واژه جاسوسی به گوش همگان رسیده اما آگاهی افراد نسبت به آن اندک است. به عبارت دیگر، هرگاه شخصی اطلاعات مهمّ یک کشور را در راستای انجام وظیفه خود در زمینه های نظامی، سیاسی یا امنیّتی در اختیار اشخاصی قرار دهد که صلاحیّت دسترسی به آنها را ندارند عمل مرتکب، متضمّن نوعی جاسوسی می باشد (همان).

۴-۱- سیاست کیفری

سیاست کیفری به اقدامات حکومت و دولت در جهت پیشگیری از جرم و درمان و بهبود وضع مجرمان اطلاق می شود.

۲- جرائم سیاسی در حقوق ایران

از زمان انقلاب مشروطیت جرائم سیاسی مورد توجه بوده است. پیش از انقلاب سال ۵۷ در قانون محاکمه وزرا مصوب ۱۳۰۷ مقرر گردید در موارد تقصیرات سیاسی، هیأت منصفه حضور خواهد داشت. قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در باب اول بین جرائم عادی و جرائم سیاسی قائل به تفکیک شد و نسبت به مجرمین سیاسی برخورد ارفاق آمیز داشته است. پس از انقلاب اصل ۱۶۸ قانون اساسی مقرر می دارد رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می کند. بنابراین وظیفه تدوین قانون برای تعریف جرم سیاسی از زمان تصویب این اصل به عنوان یک صلاحیت تکلیفی بر عهده مجلس شورای اسلامی قرار داده شده است. اما به دلیل فقدان اجماع در تعریف جرم سیاسی، انجام آن با تأخیر فراوان مواجه گردید. در سال ۱۳۹۵ نهایتاً قانونی تحت عنوان «قانون جرم سیاسی» تدوین گردید.

۲-۱- مصادیق جرائم سیاسی

به طور کلی دو روش برای بازشناسی جرم سیاسی از دیگر جرائم وجود دارد: روش احصاء و روش ضابطه. در روش احصاء قانونگذار با برشمردن تعدادی از جرائم به نام جرائم سیاسی آنها را از جرائم دیگر متمایز می کند. در مقابل، در روش تعیین ضابطه سعی می شود با تعریف جرم سیاسی، راه شناسایی آن از جرائم عادی فراهم شود که مانند یک قاعده کلی می تواند مصادیق متعددی داشته باشد. قانونگذار ایرانی روش احصاء را برای جرائم سیاسی برگزیده و در ماده ۲ جرائم سیاسی این مصادیق را ذکر نموده است. ماده مزبور مقرر می دارد:

جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده (۱) این قانون جرم سیاسی

محسوب می شوند:

الف) توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسؤولیت آنان.

ب) توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات.

پ) جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷. (گروه های موضوع این قانون باید در نشریات، اجتماعات و فعالیت های دیگر خود از ارتکاب موارد زیر خودداری کنند: ۱) نقض آزادی های مشروع دیگران. ۲) ایراد تهمت، افتراء و شایعه پراکنی).

ت) جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات. تأکید مقنن بر جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا است. در واقع آن اقداماتی که کاندیداها یا هواداران آنها در راستای تبلیغات انتخاباتی، انجام می دهند، سیاسی تلقی شده و از این منظر جرم سیاسی است.

ث) نشر اکاذیب

به طور کلی نشر اکاذیبی که از طریق مطبوعات و رسانه های رسمی می باشد مشمول قانون مطبوعات است. منظور از نشر اکاذیب در این قانون، مواردی مانند توزیع شب نامه یا نشر اکاذیب در تریبون ها و منابر است که جرم عمومی است و از مصادیق قانون مطبوعات خارج است و به صورت یک جرم عمومی قابل تعقیب و مجازات است (قوانین مربوط به جرم سیاسی، جرم امنیتی، محاربه و نشر اکاذیب).

سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سیاسی و مطالعه تطبیقی آن با نظام حقوقی آمریکا - ۲۸۴

از نارسائی های این ماده فقدان عنوان رهبری در لیست اشخاص و مقامات سیاسی است. در واقع، این قانون توهین به رهبری را در بر نمی گیرد و توهین به شخص رهبر جرم عمومی تعزیری و خارج از شمول جرم سیاسی است. از دیگر چالش های این قانون در خصوص جرائم فوق الاشعار این است که فروکاستن جرائم سیاسی به توهین و افترا و نشر اکاذیب تأمین کننده نظر قانونگذار مؤسس نیست به خصوص که توهین به مقدسات و مقامات عالی رتبه و مراجع عظام تقلید را نیز از شمول جرم سیاسی خارج کرده و همچنان مشمول عنوان جرائم امنیتی است.

به نظر نگارندگان، رسیدگی به جرائم سیاسی اصولاً تابع آئین خاص است. نظر به این که دستگاه ها و مقامات حکومتی هدف سوء قصد مجرمین سیاسی می باشند، منحصر نمودن حاکمیت قضایی در دست مقامات رسمی و قضایی شاید دور از احتیاط باشد؛ بدین لحاظ حضور نمایندگان افکار عمومی یا همان هیأت منصفه در کنار مراجع قضایی حاضر برای نیل به عدالت بیشتر قابل توجیه است.

جرائمی که جرم سیاسی محسوب نمی شوند:

قانونگذار در ماده ۳ اشاره به جرائمی دارد که از شمول جرم سیاسی مستثنی هستند. به عبارت دیگر، جرائمی که سیاسی محسوب نمی شوند تصریح قانونی شده است.

ماده ۳ قانون جرائم سیاسی مقرر می دارد: «مباشرت، مشارکت، معاونت و شروع

به جرائم زیر جرم سیاسی محسوب نمی شود:

الف - جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات.

ب - سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی.

پ - آدم ربایی و گروگان گیری.

ت - بمب گذاری و تهدید به آن، هواپیما ربایی و راهزنی دریایی.

ث - سرقت و غارت اموال، ایجاد حریق و تخریب عمدی.

ج - حمل و نگهداری غیر قانونی، قاچاق و خرید و فروش سلاح، مواد مخدر و روانگردان.

چ - رشاء و ارتشاء، اختلاس، تصرف غیر قانونی در وجوه دولتی، پولشویی، اختفای اموال ناشی از جرم مزبور.

خ - جاسوسی و افشای اسرار.

د - تحریک مردم به تجزیه طلبی، جنگ و کشتار و درگیری.

د- اختلال در داده ها یا سامانه های رایانه ای و مخابراتی به کار گرفته شده برای ارائه خدمات ضروری عمومی یا حاکمیتی.

ذ- کلیه جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی اعم از جرائم ارتكابی به وسیله سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا حامل های داده یا غیر آن.»

۲-۲- جرم سیاسی از منظر قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل یکصد و شصت و هشتم مقرر نموده است: «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می کند.»

این اصل برای تعریف جرم سیاسی دو نوع ضابطه و معیار را مشخص نموده است: ضابطه شکلی و ماهوی. ضابطه شکلی آن است که تعریف جرم سیاسی باید به موجب قانون باشد. بنابراین تشخیص قضاات یا رئیس قوه قضائیه یا رئیس جمهور یا هر شخص دیگری ملاک تعیین جرائم سیاسی نیست (پیوندی، ۱۳۸۲: ۳۹).

ضابطه دوم معیار ماهوی است: «تعریف جرم سیاسی باید بر اساس موازین اسلام باشد». با بررسی و تحلیل انواع جرائم سیاسی در اسلام و با توجه به تعریف جرم سیاسی در این نوشتار می توان گفت: هرچند در اسلام، اصل یا قاعده ای مصرح برای شناسایی جرائم سیاسی وجود ندارد، اما با توجه به این که برای جرم سیاسی درون

سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سیاسی و مطالعه تطبیقی آن با نظام حقوقی آمریکا - ۲۸۶

سیستمی اسلام (بغی) مزایا و حمایت هایی برشمرده شده است، می توان مجرمین سیاسی را با رعایت شرایط دیگر، مشمول اقدامات ارفاقی و حمایتی قرارداد. این مزایا تبعیض ناروا به شمار نمی آید، ولی هر جرمی که به هدف براندازی نظام یا ضربه به ارکان اساسی آن که در اصل یکصد و هفتاد و هفتم مندرج است از دایره حمایت ها و امتیازات خارج خواهد بود.

یکی دیگر از ضوابط مرتبط با موازین شرعی آن است که جرائم سیاسی در حضور هیأت منصفه انجام می گیرد و هیأت منصفه در بخشی از رأی دادگاه دخالت دارد. حضور هیأت منصفه در صورتی می تواند مورد قبول شورای نگهبان قرار گیرد که در زمره جرائم موجب حد، قصاص و دیه نباشد؛ زیرا اولاً، شرایط تحقق و مجازات و دادرسی این جرائم در شرع مقدس تعیین شده و حضور هیأت منصفه در رسیدگی به این جرائم مغایر با مسلمات فقهی است. ثانیاً، بر اساس مواد (۲) و (۱۱) قانون مجازات اسلامی و رأی وحدت رویه شماره ۴۵-۲۵/۱۰/۱۳۶۵ اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها خاص جرائم موجب تعزیر یا مجازات بازدارنده است و جرائم موجب حد، قصاص و دیه را شامل نمی شود و به عبارتی، چون تعریف قانونی جرم سیاسی از شاخه های اصل قانونی بودن جرائم محسوب می گردد، لذا این نوع جرائم شامل جرائمی می شوند که شیوه رسیدگی، میزان مجازات، نحوه اجرای مجازات، عفو و دیگر مقررات آن به ید حاکم باشد؛ چه آن که اطلاق و عموم اصل چهارم قانون اساسی شامل اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی نیز می شود و جرائمی که همه مقررات رسیدگی آن در شرع تعیین شده است را نمی توان مقید به حضور هیأت منصفه نمود (موسوی فر، ۱۳۹۸: ۳۴).

نکته اساسی در این مصوبه آن است که مصادیق جرم سیاسی در ماده (۲) به نحو زیرکانه ای (با افزودن حرف اضافه «از» به صدر ماده) تمثیلی قلمداد شده است. لکن در ماده (۳) جرائمی که هیچگاه سیاسی به شمار نمی آیند، به صورت حصری

مشخص گردیده اند که محاربه، افساد فی الارض، بغی (موضوع مواد ۲۸۶ تا ۲۸۸ قانون مجازات اسلامی) و بسیاری از جرائم خشونت بار موجود در قانون را شامل نمی شود و با توجه به این که این حصر افاده حجیت مفهوم مخالف را می کند، ضرورت داشت که توسط شورای نگهبان خلاف موازین شرع گرفته شود، که این اتفاق رخ نداده است.

نتیجتاً جرم سیاسی در جمهوری اسلامی، جرمی است با مجازات تعزیری یا بازدارنده که در آنها شخصی بدون آن که قصد ضربه زدن به اصول و چارچوب های اصلی نظام جمهوری اسلامی (دین و مذهب رسمی کشور و ابتدای نظام سیاسی بر ولایت مطلقه فقیه، اسلامیت و جمهوریت) داشته باشد، با انگیزه نقد عملکرد حاکمان یا کسب یا حفظ قدرت سیاسی مرتکب یکی از جرائمی شود که در قانون تعریف و مصادیق آن تعیین می گردد (محبی، ۱۳۸۹: ۴۳).

۳-۲- جرم سیاسی در قانون مصوب ۱۳۹۵

از جمله اصول قانون اساسی که تا قبل از سال ۱۳۹۵ برای اجرای آن مقرر ای تصویب نشده بود، اصل ۱۶۸ است که براساس آن باید تعریف و شروط «جرم سیاسی» و نحوه انتخاب و اختیارات هیأت منصفه طبق موازین اسلامی مشخص شود. این مسأله منحصر به نظام حقوقی کشور ما نیست، بلکه در بسیاری از نظام های حقوقی دیگر کشورهای دنیا نیز مشاهده می شود (رفسنجانی مقدم، ۱۳۹۵: ۷۸).

عدم اجرای این بخش از اصل ۱۶۸ یعنی لزوم تعریف جرم سیاسی، تنها یک اصل را متوقف نکرده بود؛ بلکه اصول متعددی از قانون اساسی نظیر اصل ۲۷ و اصول دیگر به تبع عملیاتی نشدن بخشی از اصل ۱۶۸، بلااجرا مانده بود. یکی از علل اساسی تعریف نشدن جرم سیاسی، مشکل «تعریف ناپذیری» آن می باشد (عالی پور، ۱۳۸۹: ۱۲).

جرم سیاسی، عملی است که با نظم سیاسی حاکم در یک کشور سازگاری ندارد. هدف مجرم سیاسی یا مرتکب جرم سیاسی، به طور آشکار یا پنهان، به زیر سؤال بردن حاکمیت موجود در جامعه به نفع همگان است. مجرم سیاسی، داعیه دار اندیشه یا تفکری است که به نفع همگان است؛ به همین دلیل، در نظر برخی اندیشمندان و بعضی از قوانین کیفری جهان از آن به عنوان جرم پاک یاد می‌شود؛ زیرا انگیزه انجام آن شخصی نیست، بلکه منفعت عمومی است. جرائم سیاسی اصولاً به عنوان جرائم ضد امنیت کشور به شمار می‌آیند و با ارتکاب آن امنیت کشور مورد تهدید قرار می‌گیرد و در برخی از موارد، هدف مرتکبین تغییر نهادها و سازمان‌های متشکل کشور است و مرتکبین این جرائم با توجه به اعتقاداتشان دارای انگیزه‌های آرمانی هستند و عملشان را نوعی عمل قهرمانانه می‌دانند.

تعریف قانونی جرم سیاسی، این فرصت را ایجاد کند که بعضی از اشکالات قانون مجازات اسلامی در فصل اول کتاب پنجم برطرف شود؛ یعنی مثلاً الفاظ مبهم نظیر «تشکیل دسته و جمعیت با هدف برهم زدن امنیت کشور» یا «فعالیت تبلیغی علیه نظام» یا «جاسوسی» یا «دسته جات مفسدین» و موارد بسیاری دیگر و همچنین ابهامات موجود در قسمت اول قانون مجازات اسلامی در باب محاربه برطرف شود، زیرا وجود این ابهامات باعث اتخاذ تصمیمات قضایی می‌شود که گاه بسیار قابل تأمل و گاه غیر قابل قبول و حتی غیر قابل تصور است.

نظام حقوقی ما باید به سمتی برود که فعالان سیاسی در میان معتادان و جنایتکاران حرفه‌ای قرار نگیرند و همچنین هیأت منصفه نباید نهاد منتخب حکومتی باشد؛ در حالی که چهار عنصر حکومتی مسئول تعیین اعضای هیأت منصفه هست، و تا زمانی که این مشکلات و ایرادات حل نشود صحبت از جرم سیاسی بی معناست.

قانون جرم سیاسی با هدف استیفای حق مجرمان سیاسی و حمایت از آنان در اردیبهشت ۱۳۹۵ تصویب نهایی شد؛ اما نباید تصور کرد با تصویب طرح جرم سیاسی،

وظیفه قانونگذار به موجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی به پایان رسیده است. در این قانون، هیچ ملاک و ضابطه دقیق و مشخصی برای سیاسی شناختن جرم انتسابی، ارائه نشده است. شاید به همین دلیل در ماده ۵ این قانون، تشخیص سیاسی بودن اتهام را بر عهده دادسرا یا دادگاهی قرار داده است که پرونده در آن مطرح است؛ قانون فوق نه تنها تعریف جامعی از جرم سیاسی ارائه نداده است بلکه ماده ۲ این قانون، با شمارش برخی از مصادیق جرم سیاسی در پنج بند، بر ابهامات قانونی افزوده است؛ هرچند این قانون دارای نواقصی است ولی آن را باید گامی رو به جلو دانست و معتقد بود که این قانون باعث شده است اصل ۱۶۸ قانون اساسی که سال‌ها بلا تکلیف مانده بود محقق شود و از جنبه رسمی و ظاهری، توفیق نظام تقنین تلقی می‌شود (رشیدی و خادمی، ۱۳۹۶: ۱۴۳).

۴-۲- تحلیل و بررسی جرم سیاسی در قانون جدید

در سال ۹۲ با تصویب قانون جدید و تعیین تکلیف مبهمی از جرائم سیاسی و مجازاتی که برای مرتکبین این جرائم در نظر گرفتند قانونگذار راهکار مناسبی را در نظر نگرفت و با چند عبارت تحت عناوین رسیدگی با ۳ قاضی در دادگاه کیفری یک یا رسیدگی در دادگاه انقلاب این جرائم و رسیدگی به آنها را محدود و در هاله‌ای از ابهام قرار داد، اما خوشبختانه علیرغم ایراداتی که در قانون جدید جرائم سیاسی وجود دارد با این حال، در سال ۹۵ قانونی تحت عنوان قانون جرائم سیاسی را تصویب و خطاً بطلانی بر بسیاری از ابهامات کشید. در این قانون، علیرغم تکرار برخی از مسائل در قانون آئین دادرسی کیفری ۹۲ از جمله حقوقی که برای متهمین وجود دارد و وظایف ظابطن در برخورد با این جرائم و مجرمین سیاسی باز هم به بررسی این مسئله پرداخته اما با این حال بهتر است به رسیدگی با حضور هیأت منصفه بیشتر مورد توجه قرار گرفته و به صورت پررنگ‌تر در مواجهه با این مجرمین مورد استفاده قرار گیرد.

سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سیاسی و مطالعه تطبیقی آن با نظام حقوقی آمریکا - ۲۹۰

حال، با وصف مراتب مذکور و این که مجریان قانون، تعریف و تکلیف خاصی در برخورد با اینگونه جرائم نداشتند بسیار جای امیدواری است. با این حال می توان گفت که جرم سیاسی به صورت جامع و کامل و خالی از ابهام تعریف نشده و صرفاً مثال هایی در مورد انواع جرائم سیاسی عنوان نموده اند؛ لذا باید جرائم سیاسی را به صورت موردی بررسی نمود. از طرفی نیز علنی بودن دادرسی در این جرائم باعث شده تا قضات دقت بیشتری در فرآیند رسیدگی داشته باشند و اصل بی طرفی را در سرلوحه کار خود قرار دهند؛ لذا این امر و حضور هیأت منصفه باعث شده تا از نظر شکلی، دقت بیشتری در زمان رسیدگی به این جرائم به عمل آید که این مطلب نیز در راستای اصل ۱۶۸ قانون اساسی گام مؤثری برداشته است.

از دیگر مواردی که به نظر نگارندگان می توان به آن اشاره کرد و در راه پیشبرد قوانین مساعد به حال متهم از آن یاد کرد بحث تعلیق اجرای مجزات و آزادی مشروط است که از تلفیق در قانون جرائم سیاسی و قانون مجزات اسلامی این نتیجه حاصل می شود که مجرمین این جرائم، مشمول قوانین تعلیق اجرای مجزات و آزادی مشروط شده و می توانند در شرایط موجود در قانون از آن بهره مند گردند.

پیرو اصول قانون اساسی می توان گفت که جرائم سیاسی از عمومیت برخوردار بوده و بسته به نوع جرم و صدمه ای که مجرم به پیکر جامعه و امنیت آن وارد می کند در زمره استفاده کنندگان از عفو نیز قرار خواهند گرفت. در اصل ۱۰ قانون اساسی به این مهم اشاره شده و مقام معظم رهبری تنها شخصی است که می تواند در این مورد تصمیم مقتضی اتخاذ کند؛ لذا دور از تصور نخواهد بود که مجرمین سیاسی از عفو رهبری برخوردار گردند.

۲-۵- راه های جلوگیری از وقوع جرم سیاسی

جلوگیری از جرم سیاسی بهتر از مبارزه با آن است؛ لذا دولت ها راهکارهایی در

این زمینه اندیشیده اند :

الف) رعایت حقوق اساسی و آزادی های افراد: آزادی سیاسی آن است که فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشورش از راه انتخاب زمامداران و افراد سیاسی شرکت کند و یا خود فرد بتواند به عنوان کاندیدا در این زمینه افکار و عقاید خود را به نحو مقتضی ابراز نماید (زراعت، ۱۳۷۷: ۷۷).

ب) وجود مرجعی برای شکایت مردم از نحوه عملکرد دولت: امروزه در همه کشورها این مطلب که بتوان از عوامل دولتی که همگی بدنه دولت را تشکیل می دهند شکایت یا اعتراضی را در این زمینه مطرح کرد مراجعی را در نظر گرفته اند، از جمله در ایران سازمان بازرسی کل کشور طبق اصل ۱۷۴ قانون اساسی تشکیل و زیر نظر رئیس قوه قضائیه فعالیت می کند و حدود و اختیارات آن را قانون تعیین می کند؛ همچنین است دیوان عدالت اداری که در اصل ۱۷۳ قانون اساسی به آن اشاره گردیده است. حال، دستگاه های دولتی و نهادهای عمومی ممکن است در مقام اعمال حاکمیت دولت، مرتکب تخلفاتی گردیده و حقوق مردم را محترم نشمرند؛ طبیعی است که برخی مراجع تعیین شده در احیای حقوق مردم و جلوگیری از اعمال ناشایست در راستای ایفای نقش مؤثر گام بردارند (همان: ۸۱).

ج) اجرای عدالت: اگر دولت دقیقاً به وظایفش عمل و دموکراسی را به نحو کامل اجرا کند زمینه تحقق جرم سیاسی به حداقل می رسد. مهم ترین عامل به وجود آمدن جرم سیاسی، عملکرد ناصحیح دولت ها و ایجاد نارضایتی در میان مردم است. در این زمینه بهترین راه دولت ها برای جلوگیری از تحقق جرم سیاسی، توجه دولت به اصول ذکر شده و رعایت عدالت اجتماعی است (همان: ۸۳). البته این بدان معنی نیست که اجرای همه این شیوه ها موجب می شود جرم سیاسی به کلی از بین برود.

نتیجه این که در وقوع جرائم سیاسی باید عملکرد دولت ها در کلیه زمینه های اقتصادی و فرهنگی و همچنین بحث نظارتی و اجرایی را مهم دانست، هرچند در هیچ جامعه انسانی نمی توان به طور کلی جرم را از بین برد اما موضوع مهم این است که

سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سیاسی و مطالعه تطبیقی آن با نظام حقوقی آمریکا - ۲۹۲

کنترل این جرائم به دست دولت ها و افراد بوده و راهی برای کاهش آن وجود دارد که به سه مورد آن اشاره شد.

۳- جرائم سیاسی در حقوق آمریکا

بسیاری از مخالفت های به ظاهر عادی، شورش، یا مخالفت با وضعیّت موجود در برهه های مختلف تاریخی، جرم سیاسی تلقی شده اند. این جرائم شامل اعتراض به جنگ، نهضت حقوق مدنی و جنبش زنان نیز می شوند (فردریش، ۱۹۹۶؛ ایان راس، جفری، ۱۳۹۰: ۱۸۴) برای مثال، رهبر نهضت حقوق مدنی، مارتین لوتر کینگ پسر، زمانی از جانب اداره تحقیقات فدرال (اف. بی. آی) خطرناک ترین فرد در آمریکا به شمار می آمد، زیرا تصوّر می شد که نظریه های او تهدیدی علیه نظم اجتماعی است. حزب «پلنگ سیاه» و دیگر اعضای جناح «چپ نو» مورد هجوم سازمان های دولتی قرار گرفتند، زیرا مجرم سیاسی و دشمن کشور تلقی می شدند (گسن، ۱۳۷۴: ۳۴۳).

جرائم سیاسی عبارتند از: اقداماتی همانند خیانت، فتنه انگیزی، و جاسوسی. قوانین مقابله با فتنه انگیزی نمی توانند برخلاف تعهدات متمم اول قانون اساسی باشند.» (Spagnoletti, Paolo 2005) به عنوان نمونه، هنگامی که مردم چین در سال ۱۹۸۹ در میدان «تیانانمن» نسبت به نقض حقوق بشر اعتراض کردند، نیروهای حکومتی بلافاصله اعتراض کنندگان را محاصره کردند و به بهانه ارتکاب جرم سیاسی آنها را اعدام یا محکوم به زندان نمودند. بسیاری از اعتراض کنندگان به خاطر ارتکاب جرم علیه حکومت هنوز هم پشت میله های زندان هستند. در آمریکا و دیگر کشورهایی که حکومت دموکراسی بر آنها حاکم است، پیگردهای مربوط به جرائم سیاسی، اندک هستند و نوعاً منحصر به اعمالی مانند جاسوسی و خیانت می شوند (2007.Cherif Bassiouni).

جرائم دیگری که ذاتاً جرم سیاسی محسوب می شوند، شامل: فریب دادن حکومت (نوعی سرقت که در آن با استفاده از فریب یا نیرنگ، اموال یا چیزی ارزشمند به وجود می آید) و اختلاس در پول های مالیات دهندگان (نوعی سرقت که در آن، حیف و میل اموال یا چیزی ارزشمند به دست می آید). کلاهبرداری و اختلاس صرفاً در صورتی جرم سیاسی است که برای دستیابی به اهداف اعتقادی یا حمله به کل نظام ارزشی یک حکومت اتفاق افتاده باشد و یا از تهدیدی مستقیم علیه قدرت سیاسی حاکم حکایت نماید. برای مثال، قوانین ضد تراست که هدف آنها فراهم کردن فرصت یکسان و حمایت از مصرف کننده است، مانع از آن می شوند که شرکت ها و مؤسسات تجاری، بازار را به انحصار خود در آورند یا جلوی تجارت آزاد را بگیرند. نقض قوانین ضد تراست از طریق کلاهبرداری جرم سیاسی به شمار می آید؛ زیرا نقض کننده آرمان های امریکا در رابطه با فرصت یکسان است؛ در نتیجه یکی از ارزش های مهم دولت امریکا را مورد تهدید قرار می دهد.

«جرم سیاسی» بیش از همه به اعمالی اطلاق می شود که به نیت کسب منافع سیاسی صورت می گیرند. از اینرو، اعمال دیگری که برای کسب امتیازات غیر منصفانه انجام می شوند نیز می توانند جرم سیاسی به شمار آیند؛ این اعمال می توانند شامل تخلف، فساد، رشوه خواری، اخاذی و گرفتن حق السکوت باشند.

«ارتشاء» نوعی اخاذی است، اما اخاذی به طور خاص مستلزم تهدید به وارد کردن صدمه جسمی به فرد یا اموال یا حیثیت اوست؛ یعنی شخص در صورتی مرتکب جرم اخاذی می گردد که به صورت غیر قانونی چیز با ارزشی را به دست آورد، و این کار را با اجبار نمودن افراد دیگر به تسلیم کردن مالشان انجام دهد. «حق السکوت» نیز اصطلاحی است که برای نوعی اخاذی استعمال می گردد که در آن، فرد تهدید می کند که اطلاعاتی را که به طور بالقوه زیانبخش یا محرمانه هستند فاش خواهد کرد.

۴- مرجع صالح برای رسیدگی به جرم سیاسی

بر اساس اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی، رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. در ماده ۴ قانون جرم سیاسی، این مسأله مورد اشاره قرار گرفته و قانونگذار مقرر می‌دارد: «نحوه رسیدگی به جرائم سیاسی و مقررات مربوط به هیأت منصفه، مطابق با قانون آئین دادرسی کیفری خواهد بود.» اما سؤال اینجاست که چه کسی مرجع قانونی تشخیص جرم سیاسی است؟ در اصل ۱۶۸ صرفاً از لفظ دادگستری استفاده شده است. اما با توجه به صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی و نبود قرینه مبنی بر این که از مصادیق محاکم اختصاصی است، رسیدگی به این جرائم در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است. همچنین اصل ۱۶۸ قانون اساسی بدون بیان استثناء مقرر داشته است که رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی، علنی است؛ بدین معنی که دادگاه پس از احراز سیاسی بودن جرم حق ندارد از علنی بودن آن جلوگیری کند.

همچنین اگر در این رسیدگی دادگاه تجدیدنظر تشخیص داد که جرم، سیاسی است ولی در دادگاه غیر کیفری استان رسیدگی شود، دادگاه تجدیدنظر حکم را نقض کرده و پرونده را به مرجع صالح یعنی دادگاه کیفری یک استان ارسال می‌کند. در واقع، بر اساس این مصوبه مجلس، مرجع تشخیص نوع جرم، دادسرا یا دادگاه صالح برای رسیدگی است اما اگر متهم به موضوع اعتراض داشته باشد می‌تواند اعتراض خود را بیان کند. در این خصوص دادسرا یا دادگاه باید طی قراری، سیاسی بودن یا نبودن جرم را اعلام کند. در خصوص اعتراض به این قرار، قانون به مقررات آئین دادرسی کیفری ارجاع داده است که در این خصوص کمی مبهم به نظر می‌رسد (رحمانی، ۱۳۹۷: ۱۰۳).

۵- امتیازات مجرمان سیاسی

علاوه بر رسیدگی علنی به جرم مجرمان سیاسی و حضور هیأت منصفه در جلسه محاکمه آنها، در صورتی که هیأت منصفه، این افراد را مجرم تشخیص دهد و این افراد به حبس محکوم شوند در این صورت، مزایایی بیشتر از سایر زندانیان به آنها داده خواهد شد.^۱

اعضای هیأت منصفه بدون در نظر گرفتن گرایش های شخصی اظهار نظر می نمایند. تصمیمات هیأت منصفه با اکثریت مطلق حاصل می شود. پس از بیان نظر هیأت منصفه به صورت کتبی، دادگاه اقدام به صدور رأی می نماید. در صورتی که نظر هیأت منصفه بر مجرمیت متهم باشد دادگاه الزامی بر تبعیت از نظر هیأت منصفه ندارد، اما اگر هیأت منصفه بر براءت متهم نظر دهد دادگاه می بایست از نظر هیأت منصفه تبعیت نماید. اگر دادگاه با لحاظ نظر هیأت منصفه، حکم به مجرمیت متهم صادر نماید، این حکم قابل تجدیدنظرخواهی است. در دادگاه تجدیدنظر دیگر نیازی به حضور هیأت منصفه نمی باشد. علاوه بر این، در دادسرا نیز حضور هیأت منصفه ضروری نمی باشد (همان: ۱۰۵).

بر اساس ماده ۶ این طرح موارد زیر درباره متهمان و محکومان جرائم سیاسی استعمال می گردد: «۱- مجزاً بودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس از مجرمان عادی؛ ۲- ممنوعیت از پوشاندن لباس زندان در دوران بازداشت و حبس؛ ۳- ممنوعیت اجرای مقررات ناظر به تکرار جرم؛ ۴- غیر قابل استرداد بودن مجرمان سیاسی؛ ۵- ممنوعیت بازداشت و حبس به صورت انفرادی بجز در مواردی که مقام قضائی بیم تبانی آن را می دهد و آن را برای تکمیل تحقیقات لازم می داند، اما در هر حال، مدت آن نباید بیش از ۱۵ روز باشد؛ ۶- حق ملاقات و مکاتبه با بستگان درجه

۱. خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۵)، از تعریف جرم سیاسی تا امتیازات مجرم سیاسی در دوران محکومیت.

سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سیاسی و مطالعه تطبیقی آن با نظام حقوقی آمریکا - ۲۹۶

اول در مدت حبس؛ ۷ - حق دسترسی به کتب، نشریات، رادیو و تلویزیون در مدت حبس».

عبارات «با انگیزه اصلاح امور کشور» و «بدون آن که قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد» در ماده یک قانون جرم سیاسی این موضوع را به ذهن متبادر می سازد که اساساً چرا باید در نظام حقوقی جرمی تحت عنوان جرم سیاسی داشته باشیم. اگر خود را مدعی رعایت حقوق بشر و احترام به آزادی های افراد می دانیم به چه دلیل باید منتقدان را مجازات نمود. کسی که به عرصه عمومی وارد می گردد چه به عنوان رئیس جمهور یا نماینده مجلس یا ... دارای شخصیت حقوق عمومی می گردد و می تواند مورد انتقاد از سوی گروه های مختلف مردم در جامعه قرار گیرد. به عبارت دیگر، به دلیل جایگاه خطیری که دارد باید همه نوع انتقادی را به جان بخرد حتی اگر آن انتقاد از جنس توهین باشد. البته اگر منتقدان به جای شخصیت حقوق عمومی وی، زندگی شخصی اش را هدف قرار دادند آنگاه می تواند در برابر انتقادهای اعتراض نماید. در غیر این صورت، نماینده یا مقام های دیگر نباید از انتقادات تند رنجیده خاطر شوند و افراد را مجازات نمایند؛ مانند آن چه در ایالات متحده آمریکا شاهد هستیم. در ایالات متحده، افراد آزادند که هر نوع انتقادی را به طور مثال به رئیس جمهور اعمال نمایند و هیچ کس به این دلیل مورد تعقیب قرار نمی گیرد. این انتقادهای تا جایی است که زندگی خصوصی وی نیز از چشم منتقدان پنهان نمانده باشد؛ و در این زمان است که می توان ادعای آزادی بیان نمود. جرم سیاسی آن هم در این معنایی که قانون جرم سیاسی برشمرده است صرفاً در جهت محدود کردن آزادی بیان است، و نه در جهت ایجاد نظم در جامعه.

۶- مجازات جرم سیاسی در دو کشور

در بیشتر کشورها، اعدام از مجموعه مجازات های تعیین شده برای مجرمان سیاسی حذف گردیده است (گلدوزیان، ۱۳۹۴: ۱۸۶)؛ گرچه اعدام در برخی از کشورها در

مورد جرائم دیگر نیز اجرا نمی شود، اما اولین گام مؤثری که برای حذف مجازات اعدام برداشته اند در مورد مجرمان سیاسی است. هرچند در مورد بسیاری از جرائم مرتبط و مرکب که ماهیتی سیاسی ندارند، مثل جرائم عادی ممکن است مجازات اعدام استعمال گردد (زندیان، ۱۳۹۸: ۱۵).

مجازات های بدنی برخلاف مجازات اعدام، سالب حیات نیست، بلکه شامل آزار و اذیت جسمی مجرم می شود. مجازات های اغلب از قطع نمودن و شلاق و ... که آسیب جدی بر جسم افراد وارد می کنند، تشکیل می شود، اما با توجه به مشخصه های جرم سیاسی نمی توان مرتکبان آن را با قطع عضو مجازات نمود. به ویژه این که چنین مجرمانی امتیازات خاصی دارند اما امکان دارد این مجازات در قالب شلاق اتفاق افتد (The white House, 2011).

در مورد مجازات های سالب آزادی نیز بیشتر مجازات های جرائم سیاسی مطابق بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی و قانون جرم سیاسی، سالب آزادی و یا محدود کننده آن هستند که قانونگذار ایران در مورد چنین مجرمانی این حربه را به کار می برد. امکان دارد کیفر سالب آزادی در حدّ خفیف آن نیز با حبس های کوتاه جلوه نماید. تفاوتی که این دو با هم دارند این است که در نوع اول، مجرم به طور کلی آزادی خود را از دست می دهد اما در نوع دوم، این آزادی محدود می گردد (نوروزی، ۱۳۹۵: ۱۲).

در مورد مجازات های سالب حقّ، در برخی از موارد، قانونگذار به عنوان مجازات، مرتکب جرم را از برخی از حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی محروم می سازد. گاهی این مجازات ها در قالب مجازات های تکمیلی و اختیاری دیده می شوند؛ مانند: ۱- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین (بند پ ماده ۲۳ ق.م.ا)؛ ۲- منع از عضویت در احزاب، گروه ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی (بند ذ ماده ۲۳ ق.م.ا).

سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سیاسی و مطالعه تطبیقی آن با نظام حقوقی آمریکا - ۲۹۸

برای اولین بار در قانون جزای امریکا، مجازات های خفیف تری نسبت به مجرمین سیاسی در نظر گرفته شد. سپس مجازات اعدام نسبت به مجرمین سیاسی، لغو و مجازات تبعید در قلعه های مستحکم جایگزین آن گردید و عدم استرداد مجرمین سیاسی نیز پیش بینی شد. این تحوّل در مغرب زمین بعد از انقلاب کبیر فرانسه بر اساس این نگرش به وجود آمد که مجرمین سیاسی دارای انگیزه شرافتمندانه و به دنبال اصلاح جامعه می باشند؛ برخلاف گذشته که آنها را دشمنان جامعه و مردم فرض می کردند.

امروزه در امریکا، رژیم ارفاقی را در مورد مجازات مجرمین سیاسی پذیرفته اند. حداقل از لحاظ قوانین پذیرفته شده است که باید مجازات خفیف تری نسبت به مجرمین عادی برای مجرمین سیاسی در نظر گرفت، لکن در عمل هنوز در برخی از موارد سختگیری هایی وجود دارد، البته این بدان معنا نیست که تمام کشورها مجازات های سنگین مانند اعدام را نسبت به مجرمین سیاسی لغو کرده باشند؛ به همین جهت، در دوران معاصر نیز در رژیم هایی که دارای حکومت های استبدادی و دیکتاتوری هستند و خواست مردم در استقرار حاکمیت و دوام آن نقشی ندارد (Finklea M. 2012)؛ مجازات های سنگین نسبت به مجرمین سیاسی وجود دارد، البته ممکن است از لحاظ ظاهری و قوانین موجود، مسأله به شکل دیگری نمایانده شود (صانعی، ۱۳۷۲: ۱۳۹/۲).

حبس جنایی سیاسی دائم نیز جانشین مجازات تبعید گردید که بر اساس قانون قبلی اجرا می شد و دائمی بود و اکنون در داخل و در مؤسسات اختصاصی اجرا می شود؛ البته مجازات تبعید برای جرم علیه منافع اساسی مردم که خیانت و جاسوسی باشد هم اکنون نیز پیش بینی شده است.

مجازات حبس جنایی موقت نسبت به جرائم سیاسی و عمومی تفاوتی نداشته و دارای سه درجه ۱۵، ۲۰ و ۳۰ سال می باشد (Sandel, Michel J 1996).

نتیجه گیری

از مجموع مطالب فوق می توان به نتایج ذیل اشاره کرد:

۱- جرم سیاسی برای نخستین بار در دوران مشروطه وارد ادبیات حقوق کیفری ایران شد و با رشد تدریجی از جرائم شهروندان علیه دولت به جرائم کارگزاران دولت با هدف تحکیم قدرت حاکمه بر ضد حقوق و آزادی های اساسی شهروندان توسعه یافت. با این وصف، تحولات جرم سیاسی در نظام کیفری ایران تا حال حاضر هیچگاه همسو با تحولات آن در نظام های کیفری مرجع و معیار نبوده است؛ چه آن که نظام های حقوقی، مرجع و مبدع جرم سیاسی سه دوره تحول تاریخی شامل دوره سیاه شدت عمل، دوره طلایی ارفاق افراطی، دوره تعدیل و افول سیاست ارفاقی را پشت سر نهاده اند و اکنون در دوره ادغام جرائم سیاسی و عمومی بسر می برند و تنها در رابطه با اجرای قاعده منع استرداد مجرمین سیاسی در برابر پناهندگان سیاسی از کشورهای غیر غربی به آن وفادار مانده اند. مطالعه تحولات تاریخی جرم سیاسی در حقوق ایران، نشان از سیر تحولی معکوس با تطور آن در نظام های کیفری غربی دارد. در مقابل، سیاست کیفری آمریکا منطبق با تحولات جرم سیاسی در دوره معاصر در نظام حقوقی رومی - ژرمنی به عنوان نظام حقوقی مرجع در این مقوله است.

۲- بسط و توسعه حقوق و آزادی ها و حاکمیت اصل مردم سالاری و پذیرش و اجرای اصول دادرسی منصفانه از یک سو، و گسترش جرائم خشونت آمیز علیه شهروندان همانند تروریسم و کشتار جمعی و جنایات علیه بشریت و تشدید سیاست کیفری در قبال آن از سوی دیگر، موجب تفکیک جرائم علیه ملت از جرائم علیه حاکمیت و ادغام جرائم عمومی و سیاسی در کشورهای غربی نماینده نظام کیفری رومی - ژرمنی در دوران معاصر گردیده است. حال آن که سیاست کیفری ایران در عصر مقارن با دوره طلایی و ارفاق افراطی در غرب، بر مدار شدت عمل با مجرمین سیاسی و در عصر مقارن با دوره ادغام و تشدید برخورد با مجرمین سیاسی در غرب،

سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سیاسی و مطالعه تطبیقی آن با نظام حقوقی آمریکا - ۳۰۰

بر مدار ارفاق با مجرمین سیاسی بنیان یافته است. به علاوه، تعریف قانونی جرم سیاسی در قانون مصوب ۱۳۹۵ خلاف مشی نظام های کیفری پیش رو در تمامی ادوار تطوّر آن به ویژه در دوره ادغام است؛ چه آن که اولاً، پیچیدگی و نبود تعریف مورد اجماع بین المللی از جرم سیاسی، مانع تعریف جامع و کامل آن است و ثانیاً، تنوری پیشامد سیاسی در بازشناسی جرم سیاسی، مقتضی واگذاری تمهید و تشخیص جرم سیاسی به رویه قضائی است. از اینرو نظام های حقوقی غربی - خواه رومی - ژرمنی یا کامن لا - به نمایندگی انگلیس و آمریکا به سپردن امر تشخیص جرائم سیاسی به رویه قضائی براساس معاهدات بین المللی متمایل بوده اند. به عبارت دیگر، براساس رویکرد مصلحت گرایانه نحوه برخورد با معارضان و مخالفان حکومت، منوط به شرایط و اوضاع و احوال زمان واقعه و مصالح عالیه کشور و مرجع تشخیص آن، محاکم هستند. به علاوه، تصریح قانونگذار ایران به عناوین خاص مجرمانه به عنوان جرم سیاسی، مبین نفی وصف سیاسی از عناوین مقارن و مشابه و به دیگر کلام تضییق هرچه بیشتر دایره شمول جرائم سیاسی است. گذشته از آن، در قانون جرم سیاسی بخلاف نظام های کیفری، مرجع و مبدع جرائم حکومت بر ضد حقوق و آزادی های اساسی ملت مورد توجه قرار نگرفته است. این در حالی است که در نظام های حقوقی مردم سالار غربی اینگونه جرائم به عنوان جرم سیاسی منفی بخلاف جرم سیاسی مثبت (جرائم سیاسی شهروندان علیه حکومت) سزاوار شدت عمل است. به عبارت دیگر، قانون جرم سیاسی، جرم سیاسی منفی را به رسمیت نشناخته است و بندت ماده ۲ این قانون این ادعا را به وضوح اثبات می کند.

۳- به رغم رویکرد نوین قانونگذار ایران در اتخاذ تدابیر ارفاقی نسبت به مجرمین سیاسی، نارسائی ها و رویکرد های بعضاً نسنجیده مقنن مانع تحقق اهداف اصل ۱۶۸ قانون اساسی به طور کامل است. مهم ترین نارسائی ها و رویکرد های نسنجیده عبارتند از:

نخست - مستثنی کردن کلیه جرائم مستوجب حد؛ و حال آن که دستکم می توان برخی جرائم حدی را با توجه به طبع و ماهیت آن به ویژه جرم بغی (با توجه به شناسائی آن در قانون مجازات اسلامی به عنوان مصداقی از جرائم حدی علیرغم اختلاف نظر در حدی بودن آن و اقوی بودن احتمال خروج آن از جرائم حدی) جرم با وصف سیاسی تلقی نمود. جرائم حدی همانند قذف، محاربه، سرقت با وصف سیاسی را هم می توان مشمول جرم سیاسی شناخت. به علاوه، جرائم حدی همواره با اهمیت تر از جرائم تعزیری نیستند تا رادع سیاسی شمردن جرائم حدی باشد.

دوم - احصاء حصری مقامات سیاسی بدون ذکر نام مقام رهبری و سایر مقامات و مأموران دولتی، موجب تضییق بی وجه دایره جرم سیاسی می گردد.

سوم - فرو کاستن جرائم سیاسی به توهین و افتراء و عدم تعمیم جرائم سیاسی به سایر جرائم قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده مغایر رویکرد ارفاقی با مجرمان سیاسی است. چهارم - مداخله حاکمیت در انتخاب اعضای هیأت منصفه، قاصر از تضمین کامل اصل بی طرفی و برابری سلاح ها و تضمین حقوق دفاعی متهم در برابر حکومت است.

منابع

- اصغری، سید محمد (۱۳۸۷)، **بورسی تطبیقی جرم سیاسی**، تهران: اطلاعات.
- ایان راس، جفری (۱۳۹۰)، **تحولات جرم سیاسی**، ترجمه: حسین غلامی، تهران: سمت.
- پیوندی، غلامرضا (۱۳۸۲)، **جرم سیاسی**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۵)، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۵)، **از تعریف جرم سیاسی تا امتیازات مجرم سیاسی در دوران محکومیت**.

سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سیاسی و مطالعه تطبیقی آن با نظام حقوقی آمریکا - ۳۰۲

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- رادفر، سید رضا (۱۳۸۹)، جرم سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

- رحمانی، قدرت الله (۱۳۹۷)، مطالعه تطبیقی تحوّل مفهوم جرم سیاسی در حقوق ایران و غرب، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضائی، ۸۲، ۸۳-۱۱۱.

- رشیدی، احمد؛ خادمی، امین (۱۳۹۵)، جرم سیاسی و چالش های فرا روی تعریف آن در ایران، مطالعات سیاسی، ۳۲، ۱۳۱-۱۵۰.

- رفسنجانی مقدّم، حسین؛ حسن پور، معصومه (۱۳۹۵)، ترمینولوژی تنقیح قوانین، تهران: مؤسسه فرهنگی بهینه.

- زراعت، عباس (۱۳۷۷)، جرم سیاسی، تهران: ققنوس.

- زراعت، عباس (۱۳۸۰)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران: ققنوس.

- زندیان، نهال (۱۳۹۸)، بررسی جرم سیاسی در ایران با تأکید بر قانون مصوّب ۱۳۹۵، فصلنامه بین المللی قانون یار، ۹، ۷-۳۰.

- صانعی، پرویز (۱۳۷۲)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: کتابخانه گنج دانش.

- عالی پور، حسن؛ کارگری، نوروژ (۱۳۸۹)، جرائم ضد امنیت ملی، تهران: خرسندی.

- قانون جرائم سیاسی مصوّب (۱۳۹۵).

- کرمی، داود؛ کرامتی معز، هادی (۱۳۹۵)، قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ در بوته نقد، علوم سیاسی، ۳۷، ۲۰۵-۲۲۰.

- گسن، ریموند (۱۳۷۴)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه: مهدی کی‌نیا، تهران: مجد.

- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۴)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: مجد.

- محبی، جلیل (۱۳۸۹)، بایسته های تعریف جرم سیاسی در قاموس حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۳۱، ۵-۴۴.

- موسوی فر، سید محسن؛ خسروی، کاظم (۱۳۹۸)، قانون جرم سیاسی در بوته نقد همراه با سیاست جنایی اسلام (فقه امامیه) در قبال جرائم سیاسی، تهران: مجد.

- نوروزی، کامبیز (۱۳۹۵)، طرح جرم سیاسی در بوته نقد و بررسی، هفته نامه حقوقی صور اسرافیل، ۱۰۰.

- هاشمی، محمد (۱۳۷۴)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- Finklea M. (2012). **Kristin, Identity Theft: Trend and issue**, published by congressional research service, Washington D.C.
- Spagnoletti, Paolo (2005). **Situational Crime Prevention and Cyber-crime investigation, eurocon, European union.**
- The white House (2011). **International strategy for cyberspace**, washington D.C. - Twels, Joseph (2009). computer fraud, published by john willey and son, new jersey.
- M. Cherif Bassiouni (2007), **International Extradition United States Law & Practice**, Fifth Edition, Oxford University Press, US.
- Sandel, Michel J (1996), **Democracy Discontent, America in search of a Public Philosophy**, Cambridge, mass: the beknap press of Harvard university press.
- U.S. Department of Defense (july 2011). **strategy for operating in cyberspace, washington D.C.**

